



### دکتر موسی مسگرباشی

عضو هیأت علمی دانشگاه با بیش از ۲۰ سال سابقه

### دانشکده کشاورزی

اینجانب در سال ۱۳۳۳ در شهرستان شوشتر به متولد شدم. دوران ابتدایی در دبستان سپه و متوسطه را در دبیرستان فردوسی در شوشتر گذراندم و در سال ۱۳۵۳ در رشته طبیعی مدرک دیپلم را اخذ نمودم. از آبان ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۵ دوران خدمت سربازی را به ترتیب در جهرم (استان فارس، دوره آموزشی) و جلدیان (در آذربایجان غربی) گذراندم. آن دوره همزمان شده بود با مشکلات مرزی با کشور عراق، پناهنده شدن کردهای مخالف رژیم عراق به ایران و حضور آنان در کمپ‌های پناهندگان.

شروع کار من در اهواز و در دانشگاه جندی شاپور (شهید چمران اهواز) از اردیبهشت ۱۳۵۶ بوده است. توسط دوستی که زودتر از من در دانشگاه مشغول خدمت بود، به من اطلاع داده شد که دانشگاه در حال جذب نیروست. من که تازه از سربازی آمده بودم، تقاضا اشتغال به کار دادم. با داشتن معدل بالای ۱۷ در مقطع دیپلم، به عنوان کارمند حسابداری پذیرفته شدم. من به عنوان حسابدار از کارگزینی (امور اداری) به اداره امور مالی معرفی شدم و بدین ترتیب در اداره دریافت و پرداخت شروع به کار نمودم. با توجه به قراردادی بودن در اوایل استخدام، دنبال جای دیگری هم بودم. در فراخوان شرکت نفت برای دوره فنی، امتحان ورودی کتبی دادم و در

مصاحبه نیز پذیرفته شدم، اما همزمان شد با پذیرش من در کنکور سراسری آن سال (۱۳۵۶) در رشته زراعت و اصلاح نباتات در دانشگاه جندی شاپور (شهید چمرن اهواز) و در نتیجه ترجیح دادم با توجه به علاقه خودم در دانشگاه بمانم. در اینجا لازم است از آقای تختی رئیس اداره دریافت و پرداخت وقت که باعث شد ادامه کار من در دانشگاه ممکن گردد، ذکر خیر شود، زیرا که در اثر فشار کار و مشکلات کاری، ترجیح دادم که استعفا دهم (با توجه به مجرد بودن من در آن هنگام و هزینه‌های کم، هم‌چنین تا حدی روحیه قناعت)، اما ایشان وقتی دلیل را از من پرسید، گفت شما با جدیت کار می‌کنید و به کار خود ادامه دهید. از خاطرات آن دوره می‌توان به اوج جنگ و گلوله باران به شهر اهواز اشاره نمود، وقتی ذیحساب و مدیر مالی دانشگاه، آقای نجم‌آبادی که بعد مدیر کل خزانه کشور هم شد، افراد امور مالی را برای جلوگیری از صدمه توپخانه عراق، به زیر زمین اداره دارایی واقع در پشت ساختمان دانشکده ادبیات (سه گوش) انتقال داد، از این رو، دانشگاه تصمیم گرفت حقوق کارمندان اداره مالی را پرداخت ننماید. بدین ترتیب چک دانشکده‌ها و افراد سازمان مرکزی بدون کادر مالی پرداخت شد. تصمیم بر این شد که در سری بعد لیست دانشکده‌ها هم نوشته نشود (در آن زمان همه موارد لیست‌ها بصورت دستی نوشته و کار زمان‌بری بود)، اما با صحبت دوستانه و پدرانۀ آقای نجم‌آبادی و اینکه شما مانند سابق کار خود را انجام دهید و طلب شما وصول خواهد شد و پی‌گیری ایشان بالاخره حقوق ما با تاخیر وصول گردید.

ترم‌های اولیه دانشکده برای دوره ما، از اواخر ۱۳۵۶ با شرایط آغازین انقلاب اسلامی با اعتراضات و اعتراضات همراه بود و سه ترم قبل از انقلاب این گونه گذشت. البته به تازگی واحدها بصورت ثلثی ارائه شده بودند (نه ترمی) و در پایان هر فصل پائیز، زمستان و بهار امتحانات برگزار می‌شد. اعتراض اولیه هم بخاطر این بود که دانشجویان، این استنباط را داشتند که سیستم ثلثی برای درگیر و مشغول نمودن بیشتر دانشجویان است و با آن مخالف و اعتراض داشتند. در آن دوره بعضی از کلاس‌ها و امتحانات نامرتب تشکیل می‌شد و آغازی بود بر اعتراضات بعدی. در راهروها هم دفاتر دانشجویان گروه‌های مختلف فعال شده و هر کدام برای خود، تبلیغات و نشریه‌های خبری داشتند.

با خانم مرضیه خیرخواه‌زاده در سال ۱۳۵۹ ازدواج نمودم، ایشان مربی بهداشت مدارس بودند و در شرایط جنگ نیز در مراکز بهداشت یا مدارس اهواز مشغول خدمت بودند و در حال حاضر بازنشسته هستند. دارای سه فرزند (دو دختر و یک پسر) و سه نوه هستم. علاوه بر علاقه فراوانی که خودم برای تحصیل علم داشتم، همسر

نیز همراهی زیادی نمودند. پس از بازگشائی دانشگاه‌ها بعد از انقلاب فرهنگی، بترتیب دانشجویان ترم های آخر در ابتدا و سپس ترم‌های میانی و اولیه (من هم شامل آنها بوده) فراخوان برای ادامه تحصیل شدند. بدین ترتیب در سال ۱۳۶۰ ادامه دوره کارشناسی دادم. بعد از تطبیق واحدهای گذرانده شده قبل از انقلاب، ادامه تحصیل ممکن شد و پس از ۸ سال در دوره کارشناسی به جهت اعتصابهای قبل از انقلاب، تبدیل نظام آموزشی کوارتری (ثلاثی) به ترمی و تعطیلی دانشگاه‌ها، در ۱۳۶۴ از دوره کارشناسی فارغ‌التحصیل شدم.

در ۱۳۶۳ به عنوان کارمند، به دانشکده کشاورزی منتقل و در آن جا ادامه فعالیت نمودم. پس از مدتی (۱۳۶۴) آقای دکتر عزیزاله علیزاده ریاست وقت دانشکده به معاونت پژوهشی دانشگاه منصوب شدند (در آن دوره هنوز ادغام دو دانشگاه صورت نگرفته بود)، به من پیشنهاد نمود که به عنوان کارشناس پژوهشی در سازمان مرکزی ادامه کار دهم. در آن زمان کارهای پژوهشی و معاونت پژوهشی گسترده‌تری الان را نداشت و فکر می‌کنم ایشان پس از آقای دکتر کریم کمالی از دانشکده کشاورزی، دومین معاون پژوهشی دانشگاه بودند. معاونت پژوهشی شامل یک حسابدار، یک کارشناس و یک کارمند بود. عمده کار آن زمان در معاونت پژوهشی، امور مربوط به چاپ کتاب و مقاله، طرح‌های پژوهشی و فرصت‌های مطالعاتی استادان بود.

در اواخر ۱۳۶۵ با تقاضای خودم و موافقت گروه زراعت و اصلاح نباتات (مهندسی تولید و ژنتیک گیاهی) به عنوان کارشناس در آن گروه مشغول به خدمت شدم و در دروس عملی با استادان آن زمان، که همگی الان باز نشسته شدند، همکاری داشتم (آقایان دکتر: علی کاشانی، قربان نورمحمدی، جعفر بحرانی) البته ایشان به دانشگاه شیراز منتقل و بازنشستگی آن جا را دارد). در ۱۳۶۷ که دوره‌های اولیه پذیرش کارشناسی ارشد در ایران به تازگی راه‌اندازی شده بود، در دانشگاه تبریز پذیرفته شدم. همراه سه فرزند در تبریز مستقر شدم. در آنجا با استادان بسیار خوبی و عالم به رشته علمی خود آشنا شدم، از جمله: آقای دکتر محمد مقدم، دکتر مصطفی ولی‌زاده، مرحوم دکتر جوانشیر و مرحوم دکتر آلیاری. حسن خلق و منش اساتید باعث ارتباط کاری و علمی خوبی شد که هنوز با اساتید حاضر ادامه دارد. در ۱۳۷۰ از دانشگاه تبریز در رشته کارشناسی ارشد زراعت فارغ‌التحصیل شدم سپس به عنوان مربی در گروه زراعت و اصلاح نباتات دانشگاه مشغول به کار شدم و برخی دروس کشاورزی و از جمله عملیات کشاورزی بر عهده من قرار گرفت.

در سال ۱۳۷۵ در دوره دانشجویی (دوره نظری دکترا) در آزمون دانشگاه تربیت مدرس پذیرفته شدم. هم دوره‌های من از دانشکده کشاورزی، آقایان دکتر شیخ داوودی و دکتر هوشنگ بهرامی از گروه بیوسیستم (با نام قبلی ماشین‌های کشاورزی) بودند که معمولاً با هم بوسیله قطار به تهران در رفت‌وآمد بودیم. این دوره تا سال ۱۳۷۷ ادامه داشت. در سال ۱۳۸۲ امکان اخذ رساله دوره دکترا در دانشگاه شهید چمران اهواز، برای تکمیل دوره دانشجویی فراهم گردید. اجرای پایان‌نامه تا سال ۱۳۸۴ ادامه داشت و در آن سال از پایان‌نامه خود دفاع نمودم. راهنمایی پایان‌نامه با آقایان: علی کاشانی و دکتر مهدی بخشنده و با مشاورت دکتر مجید نبی‌پور بود. سال ۱۳۸۴ به مرتبه استادیاری، سال ۱۳۸۹ دانشیار و در سال ۱۳۹۴ به مرتبه استادی نائل شدم. حاصل این دوره آموزشی و پژوهشی دانشجویانی بودند که تعدادی از آنها در دانشگاه‌های دیگر به عنوان عضو هیئت علمی مشغول به خدمت هستند. از جمله آن دانشجویان، که راهنمایی آنان در مقطع ارشد یا دکترا با اینجانب بوده: آقایان دکتر: دانش در دانشگاه شهرکرد، اطلسی پاک در دانشگاه پیام نور همدان، خانم‌ها دکتر: مجتبیای زمانی و پورعیسی که در آموزش عالی و تحقیقات فعالند. خوشبختانه تعداد قابل توجهی از دانشجویان فارغ‌التحصیل گروه، در خود اشتغالی و کارآفرینی در رشته‌های مرتبط با کشاورزی و یا صنایع وابسته موفق بودند. بسیاری از دانشجویان در سازمان‌های کشاورزی استان‌ها، کشت و صنعت‌ها، شرکت‌های تولیدی کشاورزی و یا موسسات کوچک ایجاد شده توسط خود، در مسیر تولیدات کشاورزی کشور قرار دارند.

در این مدت چند کتاب را ویراستاری علمی و یا داوری نمودم، کتاب تحلیلگر نرم افزار<sup>۱</sup> (تحت ویندوز) و کاربرد آن تحقیقات کشاورزی، چاپ دانشگاه شهید چمران اهواز را تالیف و نیز حدود ۱۰۰ مقاله علمی پژوهشی داخلی و خارجی حاصل همکاری با همکاران و دانشجویان گروه و یا گروه‌های دیگر دانشکده کشاورزی و دانشکده مهندسی علوم آب، در این دوره بوده است.

دردوره خدمتم در دانشگاه تاکنون سه دوره مدیریت گروه زراعت و اصلاح نباتات (مهندسی تولید و ژنتیک گیاهی) در جمع حدود ۸ سال و یک دوره معاونت پژوهشی و تحصیلات تکمیلی دانشکده را بمدت سه سال را عهده‌دار بودم.

در این مسیر پرتلاش، علاقه، انگیزه و هدف نقش عمده‌ای داشت. اینجانب علاقه‌مند به تحصیل دائمی علم بوده و هستم. همراهی خانواده و پشتیبانی از طرف آنان، به تحمل سختی‌ها و دوری‌ها نیز نقش بسزایی در طی

مسیر داشته است. همکاری با همکاران در گروه، دانشکده و انگیزه‌ای که در این راه از آنها داشته‌ام، نقش کلیدی داشته است. در هر دوره شغلی، سعی و تلاش را در همراهی و حل مسایل مراجعه کننده، با رعایت شرایط قانونی و اداری، الویت خود و انجام وظیفه شغلی دانسته‌ام. امیدوارم که دانشجویان با اشتیاق بیشتری در رشته‌های مورد علاقه خود تحصیل علم نموده، در چنین شرایطی استادان نیز با انگیزه بهتری تلاش می‌نمایند.